معرفت اقتصادی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۴۱ ـ ۱۶۲

بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران

محمدجواد محقق‌نیا *

چکیده

در نظام مالی اسلامی، قرض‌الحسنه در کنار صدقات، عقود مبادله ای و مشارکتی به عنوان یکی از جایگزین‌های ربا در تجهیز و تخصیص منابع معرفی شده است. در حالی که صدقات به نیازمندان حاد به وجوه، عقود به متقاضیان وجوه برای کسب سود اختصاص دارد، قرض‌الحسنه پاسخ گوی نیاز افرادی است که نه آنقدر نیازمندند که مستحق وجوه انتقالی باشند و نه آنقدر توانایی دارند که بتوانند با کسب سود، دیگران را نیز در سود خود شریک کنند. فرضیه اساسی مقاله آن است که علیرغم جایگاه ویژه قرض‌الحسنه در نظام بانکی بدون ربا، عملکرد ۲۵ ساله نظام بانکی جمهوری اسلامی نتوانسته این هدف را تامین کند. نتایج این تحقیق که به روش تحلیلی داده‌های بانکی انجام گرفته نشان می‌دهد که در این دوره، از طرفی، به طور متوسط تنها اندکی بیش از نیمی از منابع قرض‌الحسنه به اعطای قرض‌الحسنه اختصاص یافته است.از طرف دیگر، سهم سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه نیز به طور پیوسته کاهش یافته است. گرچه مصوبات دولت در سال‌های اخیر توانسته سهم تسهیلات قرض‌الحسنه را بهبود بخشد، ولی هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب در تجهیز و تخصیص آن فاصله داریم. حل این مشکل تنها در سایه مشارکت فعال بانک ها، بانک مرکزی، دولت و در نهایت مردم میسر خواهد بود. در این راستا، اقداماتی چون اختصاص تمامی منابع قرض‌الحسنه به پرداخت قرض‌الحسنه، وکاهش نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌تواند ضمن جلب اعتماد مردم، به احیای جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی کمک نماید.

کلید واژه‌ها: قرض‌الحسنه، صدقات، عقود، قانون بانکداری بدون ربا، تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه، نرخ ذخیره قانونی.

---

* استادیار پژوهشکده امور اقتصادی. mgmohagh@yahoo.com دریافت: ۸۸/۱۱/۲۰ ـ پذیرش: ۸۸/۱۲/۵

مقدمه

از دیرباز قرض‌الحسنه به مثابه یکی از ابزارها و راه‌کارهای اصلی مورد نظر اسلام برای حذف ربا از جامعه مورد توجه بوده است.[۱] در برخی از روایت‌های معصومان﵈ بیان شده است که با رواج ربا، قرض‌الحسنه کنار گذاشته می‌شود.[۲] این نکته را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که تحریم ربا و کنار گذاشتن همهٔ شکل‌های آن، به معنای نفی نیاز مالی افراد جامعه به وجوه مالی نیست. با توجه به وجود نیاز واقعی مردم به وجوه، استفاده از روش ربوی می‌تواند افراد جامعه را از به کارگیری قرض‌الحسنه در تأمین نیازمندان به وجوه باز دارد.

بی‌تردید در جامعه برخی توانایی تأمین نیازهای مالی خود را ندارند و با کسری مالی مواجه‌اند. در برابر بعضی نیز با مازاد مالی مواجه‌اند. در نگاهی کلی، نیازمندان به وجوه مالی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ برخی از کسانی که در زمان حال با کسری مالی مواجه‌اند، این توانایی را ندارند که در آینده کسری گذشته را جبران کنند؛ گروهی نیز می‌توانند کسری به وجود آمده را در آینده جبران کنند. در حالت اول، در درجهٔ اول دولت و در درجهٔ دوم آحاد مردم باید با اعطای کمک‌های بلاعوض، نیازهای این گروه را پوشش دهند و کمترین سطح معیشت را برای آنان فراهم آورند؛ اما اگر گروه دوم وضعیت دیگری دارند، هنگامی که فردی بتواند در آینده با تلاش خود برای جبران کسری مالی گذشته خود اقدام کند، عقلانی‌ترین شیوهٔ تأمین نیاز مالی این افراد و پاسخ‌گویی به تقاضای آنان، استفاده از وجوه کسانی است که با مازاد مالی مواجه‌اند و حاضر به عرضهٔ وجوه مازاد خود می‌باشند. به نظر می‌رسد که در این مورد نظام مالی مورد نظر اسلام و نظام پولی و مالی رایج تفاوت چندانی ندارند. اختلاف عمده در چگونگی پاسخ‌گویی به این نیازها است. اسلام برای حل مشکل متقاضیان و عرضه‌کنندگان وجوه، راه‌کارهایی را پیش‌بینی کرده است که با شیوهٔ تجهیز و تخصیص بانکداری سنتی تفاوت‌های ماهوی بسیاری دارد. در واقع، نظام مالی و پولی مورد نظر اسلام در به رسمیت شناختن نیازهای مالی جامعه از هر دو سوی تقاضاکنندگان و عرضه‌کنندگان، تفاوت چندانی با نظام سنتی و رایج ندارد؛ اما در ارائه راه حل، تفاوت‌های جدی وجود دارد.

فرضیهٔ اصلی ما در این مقاله آن است که در نظام مالی اسلامی، برای پاسخ‌گویی به سه دسته نیازمندان به وجوه، یعنی نیازمندان ناتوان در بازپرداخت، نیازمندان قادر به بازپرداخت و نیازمندان در پی کسب سود، به ترتیب سه قالب مختلف صدقات، قرض‌الحسنه و عقود در نظر گرفته شده است. توجه به این نکتهٔ اساسی ما را قادر به ارزیابی وضعیت تجهیز و تخصیص قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی می‌کند. بر این اساس، فرضیهٔ دیگر مقاله آن است که نظام بانکی کشور نتوانسته است به شکل مناسبی به جذب و تخصیص منابع قرض‌الحسنه از سال ۶۳ تا ۱۳۸۶ بپردازد.

برای بررسی این فرضیه‌ها، پس از مروری بر پیشینهٔ تحقیق، به بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام مالی اسلام و قانون عملیات بانکداری بدون ربا پرداخته، در ادامه به بررسی عملکرد نظام بانکی کشور در تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه می‌پردازیم.

ادبیات بحث

به رغم اهمیت ویژهٔ قرض‌الحسنه در نظام مالی مورد نظر اسلام و همچنین گذشت بیش از ۲۵ سال از اجرای قانون بانکداری بدون ربا، مطالعات و تحقیقات بنیادین و کاربردی کمی در این زمینه در کشور انجام گرفته است. در پژوهش‌های انجام شده در مورد قرض‌الحسنه، به طور عمده به جنبه‌های نظری آن و همچنین عملکرد نظام بانکی و در مواردی عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه پرداخته شده است. از جمله مهم‌ترین آثار منتشر شده در زمینهٔ جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به پژوهش انجام شده توسط مجید حبیبیان نقیبی (۱۳۸۰ و ۱۳۸۳)، کمیجانی و هادوی‌نیا (۱۳۷۷)، و عرب‌مازار و کیقبادی(۱۳۸۵) اشاره کرد. حبیبیان نقیبی(۱۳۸۰) در مقالهٔ اول خود، با پرداختن به جنبه‌های نظری، قرض‌الحسنه را راهبردی برای توسعه می‌داند و نقش دولت را در این زمینه با دقت بررسی می‌کند؛ ولی به بررسی تطبیقی عملکرد دولت در استفاده از این راهبرد نپرداخته است. حبیبیان نقیبی (۱۳۸۳) همچنین در مقاله‌ای با اتخاذ نگرشی تفسیری ـ روایی به بررسی قرض‌الحسنه پرداخته است. در مقابل، سیامک کورنگ بهشتی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای قرض‌الحسنه را از خیرات و حسنات قلمداد کرده و آن را یک شیوه یا ابزار برای فعالیت اقتصادی نمی‌داند.[۳]

از میان مقالاتی که به بررسی عملکرد قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور پرداخته‌اند، کمیجانی و هادوی‌نیا (۱۳۷۷) به طور خلاصه روند قرض‌الحسنه در نظام بانکی را در سال‌های ۶۳ـ۱۳۷۴ بررسی کرده‌اند. عرب‌مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) در پژوهشی گسترده‌تر، به بررسی عملکرد نظام بانکی در تجهیز و تخصیص سپرده‌های قرض‌الحسنه در دوره ۶۳ـ۱۳۸۲ پرداخته‌اند. این بررسی نشان می‌دهد که در دورهٔ مزبور، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز از کل سپرده‌ها از ۲۵ درصد به تدریج کاهش یافته، در چند سال اخیر در حدود ۱۰ درصد ثابت مانده است. آنها رونق گرفتن صندوق‌های قرض‌الحسنه را از جمله عمده‌ترین دلایل کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه قلمداد کرده‌اند. بررسی عرب مازار و کیقبادی همچنین نشان می‌دهد که نظام بانکی کشور در سال‌های مورد بررسی با احتساب ذخایر قانونی، به طور میانگین حدود ۶۰ درصد سپرده‌های قرض‌الحسنه را صرف پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه کرده است.

در این پژوهش، ضمن بسط مبانی نظری قرض‌الحسنه در نظام مالی اسلام که در پژوهش‌های قبلی کمتر بدان پرداخته شده، به بررسی تفصیلی و جدی‌تر آمار و اطلاعات موجود می‌پردازیم. این بررسی مشتمل بر بررسی وضعیت سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه نظام بانکی در دوره ۶۳ـ۱۳۸۸ و همچنین تعیین روند آن اختصاص دارد. این تحقیق به طور خاص دلایل کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه در منابع بانکی و همچنین روند کاهش تسهیلات قرض‌الحسنه در نظام بانکی را تحلیل می‌کند و در این زمینه به بررسی تأثیر مصوبات دو سالهٔ اخیر دولت بر تجهیز و تخصیص قرض‌الحسنه در نظام بانکی می‌پردازد.

قلمرو قرض‌الحسنه (تفاوت اصلی نظام مالی اسلام با نظام سنتی)

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های نظام مالی اسلام با نظام سنتی و رایج، به رسمیت شناختن انگیزه‌های معنوی در کنار پذیرش انگیزه‌های سودطلبانه است. در واقع، فرهنگ غنی اسلامی با برانگیختن انگیزه‌های معنوی، درصدد تنظیم رفتارهای اقتصادی در جهت رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی است.[۴] در این صورت، کسب سود مادی مجاز و قابل احترام است؛ اما تنها انگیزهٔ فعالیت‌های مالی نیست. همچنین ویژگی دیگر نظام مالی اسلامی، همراهی بازارهای پولی با بازارهای حقیقی است. بر اساس این اصل، گردش پول در جامعه باید همراه با جریان تولید کالاها و خدمات باشد تا اقتصاد با مازاد یا کمبود نقدینگی، گردش صوری کالاها و خدمات و یا بی‌تحرکی مواجه نشود.

با توجه به دو اصل پذیرش انگیزه‌های معنوی و همراهی بازار پولی و حقیقی در نظام مالی اسلام، می‌توان به تبیین جایگاه قرض‌الحسنه در آن پرداخت. با توجه به تأکیدهای وارد شده در اسلام دربارهٔ قرض‌الحسنه و تأکید بر انگیزه‌های خیرخواهانه در آن، ترویج قرض‌الحسنه در نظام مالی اسلام، از طرفی موجب تحقق و اعتلای معنویت در سطح جامعه است[۵] و از طرف دیگر، قرض‌الحسنه به منزلهٔ راه‌کاری اسلامی، به دسته‌ای از نیازهای افرادی که به وجوه مالی احتیاج دارند پاسخ می‌دهد. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا قرض‌الحسنه به طور مطلق در نظام مالی اسلام مورد توجه قرار گرفته است؟

در پاسخ به پرسش مزبور توجه به این نکته ضروری است که قرض‌الحسنهٔ مورد نظر اسلام که برای آن ثواب بیشماری در روایات نقل شده، قرض بدون زیاده به نیازمندان است. بر اساس روایات معصومان، گرفتن قرض در شرایط عادی مکروه است و قرض در شرایط اضطراری و برای رفع نیاز کسانی توصیه شده است که در شرایط فعلی توانایی تأمین نیازهای خود را ندارند، ولی در آینده وضعیت بهتری خواهند داشت.[۶] با این توصیف، در شرایطی که نیازمندانی

وجود دارند که قادر به تأمین سطح اولیه زندگی خود نیستند، قرض‌الحسنه شامل کسانی نمی‌شود که درصدد کسب سود بیشتر برای توسعهٔ سطح زندگی خود به سطح بالاتر از متوسط جامعه هستند. به عبارت دیگر، در صورتی که در جامعه نیازمندانی وجود داشته باشند که به دلیل نداشتن توان مالی مناسب، به رغم داشتن استعداد، توانایی تأمین حداقل سطح زندگی را ندارند، قرض‌الحسنه به کسانی که درصد گسترش سطح رفاه خود یا کسب سود بیشتر هستند، تعلق نمی‌گیرد. البته نیازمندی، خود دارای مراتب و به اصطلاح تشکیکی است. بر این اساس، قرض‌الحسنه در صورت وجود کسانی که نیاز مالی بیشتری دارند، به کسانی که سطح نیازمندی کمتری دارند، تعلق نخواهد گرفت؛ مگر آنکه در جامعه منابع نامحدود مالی وجود داشته باشد که چنین فرضی غیرواقعی است.

تبیین جایگاه قرض‌الحسنه در نظام مالی اسلام، نیازمند توجه به قالب‌های دیگر طراحی‌شده برای پاسخ‌گویی به سایر نیازهای مالی است. اسلام از طرفی قرض‌الحسنه را برای رفع نیاز کسانی قرار داده است که توانایی بازپرداخت بدهی خود در آینده را داشته باشند. در کنار این دسته، دو گروه نیازمندان حاد به وجوه و متقاضیان وجوه برای کسب سود نیز وجود دارند. اسلام برای پاسخ‌گویی به نیاز این دو دسته، روش‌های دیگری را در نظر گرفته است. در این چارچوب، نیاز حاد به وجوه که توانایی پرداخت بدهی خود را ندارند، باید با استفاده از صدقات و پرداخت‌های جبرانی تأمین مالی شوند. نیاز کسانی که درصدد ارتقا سطح زندگی خود یا توسعه فعالیت اقتصادی خود هستند، در صورتی که افراد نیازمندتری در مقایسه با آنها وجود داشته باشد، باید در قالب قراردادهای مشارکتی یا مبادله‌ای که مستلزم پرداخت مازاد و شریک کردن صاحب سرمایه در سود کسب شده است، تأمین شود.

توجه به دسته‌بندی سه‌گانه نیازها و قالب‌های پاسخ‌گویی به آنها در اسلام، مشخص می‌کند که قرض‌الحسنه راه‌حل تأمین نیاز مالی گروه میانه است؛ گروهی که نه آن قدر ناتوان هستند که مستحق پرداخت‌های جبرانی شوند و نه آن قدر توانایی مالی و اقتصادی دارند که درصدد گسترش و ارتقا سطح زندگی و فعالیت خود باشند. به طور طبیعی، این گروه شامل کسانی می‌شود که درصدد تأمین نیازهای اولیه زندگی خود هستند یا درصدد آغاز فعالیت اقتصادی کوچکی هستند و هنوز آن چنان این مهارت را به دست نیاورده‌اند که دیگران را نیز در سود خود شریک کنند. از این‌رو، قرض‌الحسنه به تأمین نیازهای مصرفی ضروری نیازمندان و تأمین سرمایهٔ اولیه فعالیت‌های اقتصادی کوچک اختصاص خواهد داشت.[۷]

بنابراین، قرض‌الحسنه دارای دو رکن اساسی نیازمند بودن وام گیرنده و داشتن انگیزه‌های معنوی قرض‌دهنده است.[۸] این نهاد اسلامی، با ویژگی‌های خاص خود، می‌تواند از طرفی به

تحقق توسعه متعادل اقتصادی، و از طرف دیگر به رفع فقر، بهبود توزیع درآمد و در نهایت تحقق عدالت اجتماعی اقتصادی و توزیع عادلانهٔ ثروت توأم با رفاه اقتصادی کمک کند.[۹]

قرض‌الحسنه در قانون بانکداری بدون ربا

در قانون بانکداری بدون ربای جمهوی اسلامی ایران، توجه خاصی به قرض‌الحسنه شده است و از این قرارداد در تجهیز و تخصیص منابع استفاده شده است. در طرف تجهیز منابع، سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های جاری، بر اساس قرارداد قرض‌الحسنه طراحی شده‌اند. در این چارچوب، سپرده‌گذاران در قالب قرارداد قرض بدون زیاده، مالکیت وجوه خود را به بانک منتقل می‌کنند و تا مدتی که این وجوه در بانک قرار دارد، مالکیت آنها نیز در اختیار بانک است.

با توجه به اینکه قرض‌الحسنه بر پایهٔ نیازمندی گیرنده و انگیزهٔ معنوی قرض‌دهنده استوار است،[۱۰] و اساساً نیازمندی یا توانگری شامل افراد حقیقی می‌شود، این پرسش مطرح است که قرض‌الحسنه سپرده‌گذاران به بانک‌ها چه ماهیتی پیدا می‌کند؟ در حالی که رابطهٔ بانک با سپرده‌گذاران در برخی از الگوهای بانکداری اسلامی بر اساس قرارداد ودیعه عام یا امانت شکل گرفته، قانون بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران سپرده‌های جاری و پس‌انداز را در قالب قرارداد قرض‌الحسنه سامان داده است.[۱۱] بر این اساس، سپرده‌گذاران حساب‌های دیداری و قرض‌الحسنه پس‌انداز، وجوه خود را به بانک قرض بدون زیاده می‌دهند. از آنجا که اولاً بانک یک شخصیت حقوقی است و مسئلهٔ نیاز ناظر به شخصیت‌های حقیقی است و ثانیاً نیازمند بودن به معنای مورد اشاره در مورد بانک‌ها مطرح نیست، دادن قرض‌الحسنه به بانک، به منظور اعطای قرض‌الحسنه است؛ نه اینکه بانک‌ها نیازمند قرض‌الحسنه باشند. از آنجا که بانکها و مؤسسه‌های انتفاعی هستند که با استفاده از منابعی که از طریق جذب سپرده سپرده‌گذاران همواره درصدد کسب سود و ارتقای آن هستند، آنها سزاوار دریافت قرض‌الحسنه نیستند.

به نظر می‌رسد که هدف قانونگذران از طراحی رابطهٔ میان سپرده‌گذاران سپرده‌های دیداری و پس‌انداز با بانک‌ها بر اساس قرض‌الحسنه این نیست که بانک‌ها خود از قرض‌الحسنه سود برند؛ بلکه از آنجا که بانک‌ها صرفاً واسطه‌ای میان سپرده‌گذاران و نیازمندانی هستند که می‌توانند در مقیاس وسیع و به صورت حرفه‌ای و بر اساس ضوابط مورد نظر نسبت به ارائه خدمت به آنها اقدام کنند، واسطه‌ای برای پرداخت وجوه این سپرده‌ها در قالب قرض‌الحسنه‌اند. در این چارچوب، بانک‌ها وظیفه‌ای جز واسطه‌گری میان دو گروه تقاضاکننده و عرضه کننده وجوه ندارند. آنها به دلیل این واسطه‌گری می‌توانند برای جبران هزینه‌های خود اقدام به دریافت کارمزد کنند.

بر این اساس، تمامی منابع حاصل از سپرده‌های دیداری و پس‌انداز باید در جهت منافع جامعه، به نیازمندانی که خواهان تأمین نیازمندی‌های اولیهٔ زندگی خود هستند، یا درصدد شروع یک فعالیت اقتصادی به منظور تأمین زندگی خود هستند، پرداخت شود. در این فرآیند، بانک‌ها حق استفاده از این منابع برای منافع خود و کسب سود را ندارند و عایدی آنها تنها به دریافت کارمزد منحصر می‌شود.

چه بسا برخی ادعا کنند که هدف سپرده‌گذران از اعطای وجوه به بانک‌ها در قالب قرض‌الحسنه، برطرف کردن نیاز بانک‌ها نیست؛ بلکه هدف مورد نظر چیزی دیگر است. در سپرده‌های جاری، هدف سپرده‌گذاران از سپرده‌گذاری، استفاده از خدمات بانک‌ها، یعنی حفظ و انجام نقل و انتقالات مالی است. سپرده‌گذاران سپرده‌های پس‌انداز نیز یا به دنبال کسب جوایز هستند یا برای دریافت سایر تسهیلات و خدمات بانکی همچون دریافت حقوق ماهانهٔ خود ملزم به بازکردن حساب سپردهٔ پس‌انداز قرض‌الحسنه هستند. بنابراین، سپرده‌های جاری یا پس‌انداز در قالب قرارداد قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا گنجانده شده‌اند، اما چون هدف سپرده‌گذاران چیزی دیگر است، پس این منابع به بانک تعلق دارند و بانک می‌تواند در جهت منافع خود از آنها استفاده کند و ضرورتی ندارد که این منابع صرفاً به صورت قرض‌الحسنه به نیازمندان پرداخت شود.

در این باره باید گفت اولاً هدف سپرده‌گذاران سپرده‌های دیداری و پس‌انداز هر چه باشد، بانک‌ها این وجوه را به منزلهٔ قرض‌الحسنه دریافت می‌کنند و خود اذعان دارند که این منابع به منظور اهداف خیرخواهانه استفاده می‌شود. از این‌رو، بانک‌ها باید افزون بر ارائه خدمات مورد نظر سپرده‌گذاران، این وجوه را برای اهداف خیرخواهانه تخصیص دهند؛ زیرا بانک‌ها اصولاً شأنی به جز واسطه‌گری میان سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان ندارند. در این میان، بانک‌ها مجازند هزینهٔ خدماتی را که به صاحبان سپرده‌ها ارائه می‌کنند، به منزلهٔ هزینهٔ تجهیز منابع، از دریافت‌کنندگان تسهیلات قرض‌الحسنه اخذ کنند؛[۱۲] ثانیاً بانک یک شخصیت حقوقی است و همان‌گونه که گفته شد، مسئلهٔ نیازمندی در مورد او معنا ندارد. بر این اساس، بانک باید به نیابت از سپرده‌گذارانی که وجوه خود را در قالب قرارداد قرض‌الحسنه در اختیار بانک قرار داده‌اند، منابع جمع‌شده را به نیازمندان قرض‌الحسنه بدهد. به طور طبیعی، سپرده‌گذاران نیازمند سپرده‌های جاری و پس‌انداز نیز می‌تواند از مزایای دریافت قرض‌الحسنه سود برند.

همچنین از آنجا که منابع جمع‌شده از طریق حساب‌های جاری، منبع اصلی خلق پول تلقی می‌شوند و خلق پول، امتیازی است که به دولت، به نمایندگی از کل جامعه تلعق دارد، بانک‌ها حق استفاده از این منابع را به منظور منافع خود ندارند. در عوض بانک‌ها باید منابع حاصل از

این حساب‌ها را در جهت منافع جامعه که قرض‌الحسنه می‌تواند یکی از بهترین روش‌ها برای تأمین آن باشد، تخصیص دهند.

در طرف تخصیص نیز قرارداد قرض‌الحسنه به منزلهٔ روش عرضهٔ بدون سود تسهیلات در کنار سایر روش‌های همراه با سود ثابت یا متغیر در قالب قراردادهای مبادله‌ای و مشارکتی در قانون بانکداری بدون ربا توجه شده است. ارائه تسهیلات بدون سود یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد قانون بانکداری بدون رباست که در نظام‌های رایج بانکداری که مبتنی بر حداکثرسازی سود است، جایی ندارد. طبق ماده ۱۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها موظف‌اند برای تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی، بخشی از منابع خود را از طریق قرض‌الحسنه، به متقاضیان اختصاص دهند.

بررسی عملکرد نظام بانکی در سه دههٔ گذشته

در بررسی عملکرد نظام بانکداری جمهوری اسلامی دربارهٔ تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه در دوره ۶۳ـ۱۳۸۸، این پرسش اساسی مطرح است که آیا قرض‌الحسنه جایگاه واقعی خود در نظام بانکی را یافته است؟ آیا مردم در ترویج قرض‌الحسنه مشارکت فعال داشته‌اند؟ آیا بانک‌ها خود به این مسئله به طور جدی اهتمام داشته‌اند و لااقل منابعی را که به مثابه قرض‌الحسنه از مردم دریافت کرده‌اند، به صورت تسهیلات قرض‌الحسنه به مردم پرداخت کرده‌اند؟ آیا بانک‌ها توانسته‌اند اعتماد مردم و مشتریان خود در جذب منابع قرض‌الحسنه را جلب کنند؟ آیا بانک‌ها از نظر مردم مرجع اصلی دریافت و پرداخت قرض‌الحسنه به شمار می‌آیند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا به بررسی آمار موجود در زمینهٔ عملکرد نظام بانکی کشور می‌پردازیم.

برای بررسی عملکرد نظام بانکی در جذب سپرده‌های جاری و پس‌انداز قرض‌الحسنه، به‌ویژه سپرده‌های قرض‌الحسنه، در جدول ۱، ابتدا به بررسی سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از کل سپرده‌های بانکی و مقایسهٔ آن با سهم سپرده‌های دیداری، سرمایه‌گذاری و سایر سپرده‌ها، در طول سال‌های اجرای قانون بانکداری بدون ربا پرداخته‌ایم. محاسبهٔ میانگین هر یک از انواع سپرده‌های بانکی در طول سالیانی که از اجرای قانون بانکداری بدون ربا می‌گذرد نیز می‌تواند این مقایسه را تکمیل کند. در ادامه، در جدول‌های بعدی به بررسی نرخ رشد سپرده‌های جاری، سرمایه‌گذاری و قرض‌الحسنه در کنار نرخ رشد نقدینگی خواهیم پرداخت تا عملکرد نظام بانکی در جذب منابع مازاد مشتریان مشخص شود. همچنین به بررسی نرخ تغییر سهم هر یک از این سپرده‌ها در این سال‌ها خواهیم پرداخت تا مشخص شود که هر یک از این سپرده‌ها، به‌ویژه قرض‌الحسنه چه وضعیتی داشته‌اند.

جدول ۱سپرده‌های بانکی در سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۸(ارقام میلیارد ریال)									
شرح	سپرده دیداری	سپرده قرض‌الحسنه	سپرده سرمایه‌گذاری	سایر سپرده ها	جمع کل سپرده ها	سپرده‌های دیداری درصدی	سپرده‌های قرض‌الحسنه در صدی	سپرده‌های سرمایه‌گذاری درصدی	سایر سپردهها درصدی
۱۳۶۳	۲۵۰۹	۱۴۹۶.۷	۱۵۴۱.۴	۳۷۱.۲	۵۹۱۸۳۰	۴۲.۴	۲۵.۳	۲۶	۶.۳
۱۳۶۴	۲۷۴۷.۳	۹۰۳.۵	۲۹۰۴.۷	۲۷۰.۳	۶۸۲۵۸۰	۴۰	۱۳.۲	۴۲	۵.۰
۱۳۶۵	۳۱۶۸.۶	۹۴۰۶.۰	۳۷۱۲.۷	۲۵۸.۳	۸۰۸۰۲۰	۳۹.۲	۱۱.۶	۴۶	۳.۲
۱۳۶۶	۳۷۹۴.۲	۱۰۴۵.۵	۴۵۴۷.۲	۲۹۸.۷	۹۶۸۵۶۰	۳۹.۲	۱۰.۸	۴۷	۳.۰
۱۳۶۷	۴۳۱۲.۵	۱۱۹۳.۹	۶۳۹۳.۴	۳۴۲.۲	۱۲۲۴۲۰۰	۳۵.۲	۹.۸	۵۲.۲	۲.۸
۱۳۶۸	۵۳۴۲.۴	۱۲۸۰.۶	۸۰۰۶.۸	۴۷۸.۷	۱۵۱۰۸۵۰	۳۵.۴	۸.۵	۵۳	۳.۱
۱۳۶۹	۷۰۷۵.۹	۱۳۹۲.۳	۹۶۹۴.۷	۶۸۷.۳	۱۸۸۵۰۲۰	۳۷.۵	۷.۴	۵۱.۵	۳.۶
۱۳۷۰	۹۰۶۰.۹	۱۸۶۸.۶	۱۱۷۳۹.۶	۱۳۷۹.۴	۲۴۰۲۴۸۵	۳۷.۷	۷.۷	۴۸.۸	۵.۸
۱۳۷۱	۱۱۰۰۹.۳	۲۴۴۱.۰	۱۴۶۴۶.۷	۲۴۰۹.۷	۳۰۵۰۶۷۰	۳۶.۱	۸.۰	۴۸	۷.۹
۱۳۷۲	۱۵۵۸۰.۷	۲۶۸۳.۱	۱۹۰۵۲.۷	۳۹۸۶.۵	۴۱۳۰۳۰۰	۳۷.۷	۶.۵	۴۶.۱	۹.۷
۱۳۷۳	۲۱۷۳۱.۲	۳۴۹۴.۷	۲۲۵۱۶.۹	۵۴۰۰.۵	۵۳۱۴۳۳۰	۴۰.۹	۶.۶	۴۲.۴	۱۰.۱
۱۳۷۴	۳۰۲۹۴.۳	۴۶۱۶.۳	۲۸۴۱۶.۹	۱۱۰۷۱.۷	۷۴۳۹۹۲۰	۴۰.۷	۶.۲	۳۸.۲	۱۴.۹
۱۳۷۵	۴۳۰۵۵.۸	۶۰۳۹.۱	۳۵۸۴۷.۱	۱۸۳۹۴.۵	۱۰۳۳۳۶۵۰	۴۱.۵	۵.۸	۳۴.۷	۱۸.۰
۱۳۷۶	۴۷۹۲۳.۵	۸۶۹۳.۲	۴۷۱۰۳.۸	۱۵۱۸۵.۶	۱۱۸۹۰۶۱۰	۴۰.۳	۷.۳	۳۹.۶	۱۲.۸
۱۳۷۷	۵۶۰۱۱.۳	۱۲۴۲۰.۰	۶۲۴۲۹.۱	۱۰۷۶۸.۰	۱۴۱۶۲۸۴۰	۳۹.۵	۸.۸	۴۴.۱	۷.۶
۱۳۷۸	۶۴۶۳۱.۷	۱۶۲۹۶.۰	۷۹۵۳۲.۰	۱۰۱۱۰.۲	۱۷۰۵۶۹۹۰	۳۷.۹	۹.۶	۴۶.۶	۵.۹
۱۳۷۹	۸۹۲۶۲.۲	۲۲۰۱۴.۴	۱۰۳۳۶۳.۶	۹۳۱۲.۲	۲۲۳۹۵۲۴۰	۳۹.۹	۹.۸	۴۶.۱	۴.۱
۱۳۸۰	۱۱۲۷۶۸.۰	۲۹۸۴۷.۵	۱۴۱۰۶۶.۵	۷۰۸۶.۶	۲۹۱۷۶۸۶۰	۳۹	۱۰.۲	۴۸.۳	۲.۵
۱۳۸۱	۱۴۷۸۷۲.۶	۳۸۱۰۸.۰	۱۸۵۸۶۲.۴	۱۰۹۰۰.۹	۳۸۲۷۴۳۹۰	۳۸.۶	۱۰.۰	۴۸.۶	۲.۸
۱۳۸۲	۱۷۸۶۲۴.۳	۴۵۷۰۶.۰	۲۵۱۷۳۸.۲	۱۱۷۹۵.۴	۴۸۷۸۶۳۹۰	۳۶.۶	۹.۴	۵۱.۶	۲.۴
۱۳۸۳	۲۰۸۰۴۳.۱	۶۹۸۰۶.۲	۳۴۹۱۴۹.۳	۱۴۰۹۶.۶	۶۴۰۱۹۵۲۰	۳۲.۵	۱۰.۹	۶۱.۶	۲.۲
۱۳۸۴	۲۶۷۲۴۳.۸	۹۳۲۳۰.۱	۴۸۹۶۹۳.۲	۲۰۱۷۶.۷	۸۷۰۳۴۳۸۰	۳۰.۷	۱۰.۷	۵۶.۳	۲.۳
۱۳۸۵	۳۵۳۰۹۳.۳	۱۳۳۵۲۲.۴	۷۰۷۱۰۰.۵	۲۹۰۳۱.۶	۱۲۲۲۷۴۷۸۰	۲۸.۹	۱۰.۹	۵۷.۸	۲.۴
۱۳۸۶	۴۵۵۷۹۸.۱	۱۵۲۳۰۵.۰	۹۱۵۹۸۴.۵	۳۶۲۹۶.۲	۱۵۶۰۳۸۳۸۰	۲۹.۲	۹.۸	۵۸.۸	۲.۲
۱۳۸۷	۳۶۷۷۱۸.۳	۱۵۳۹۴۶.۷	۱۱۷۷۶۳۴۴	۴۴۲۹۲.۷	۱۷۳۵۹۵۰	۲۱.۲	۸.۸	۶۷.۷	۲.۵
مهر۸۸	۳۵۷۹۴۳	۱۶۲۸۸۷	۱۴۰۸۷۲۹.۷	۴۷۸۵۸.۲	۱۹۷۷۴۱۷	۱۸.۱	۸.۲	۷۱.۲	۲.۴
جمع	۲۱۴۰۹۵۴	۶۵۹۸۱۰.۱	۳۵۰۲۰۴۳.۹	۲۲۰۱۰۹	۶۰۱۲۸۷۷۹۵	–	–	–	–
میانگین	۸۹۲۰۶.۴	۲۷۴۹۲.۱	۱۴۵۹۱۸.۵	۹۱۷۱.۲	۲۵۰۵۳۶۵۸.۱	۳۵.۹۹	۹.۶۸	۴۹	۵.۶

منبع: گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های گوناگون

جدول یک نشان‌دهندهٔ برخی از واقعیت‌های عملکرد نظام بانکی در بخش تجهیز سپرده‌ها، به ویژه تجهیز سپرده‌های قرض‌الحسنه است. در بیست و چهار سال گذشته، سپرده‌های دیداری، سپرده‌های قرض‌الحسنه، سپرده‌های سرمایه‌گذاری و سایر سپرده‌ها به طور میانگین ۳۶، ۹.۷، ۴۹ و ۵.۶ درصد از کل سپرده‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این بدین معناست که کمتر از نیمی از سپرده‌های بانکی، برای بانک تعهدزا بوده است و بانک باید در برابر دریافت آنها، به صاحبان آنها سود پرداخت کند. در واقع، بیش از ۵۱ درصد از سپرده‌های بانکی به صورت مجانی در اختیار نظام بانکی قرار گرفته است. این نکته برای نظام بانکی از جنبه‌های مختلف می‌تواند بسیار حیاتی و تعیین‌کننده باشد؛ یعنی نظام بانکی از رانت بسیار بزرگی برخوردار است و در میدان رقابت، به طور ناخودآگاه چندین گام از دیگران جلوتر است.

نکتهٔ دیگری که در جدول مزبور جلب توجه می‌کند این است که سهم هر یک از این سپرده‌ها در آغاز اجرای قانون بانکداری بدون ربا برای سپرده‌های دیداری ۴۲.۴ درصد، برای سپرده‌های قرض‌الحسنه ۲۵.۳ درصد، برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری ۲۶ درصد و برای سایر سپرده‌ها ۶.۳ درصد بوده است. در این میان، کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌تواند معنادار باشد که باید علت آن بررسی شود. به هر صورت، نظام بانکی در ابتدای اجرای قانون بانکداری بدون ربا توانست این جذابیت را برای مشتریان به وجود آورد؛ اما نتوانست این روند را ادامه دهد. این مسئله به نوعی عدم موفقیت و ضعف نظام بانکی در این زمینه تلقی می‌شود. مسئله مهم‌تر اینکه سهم ۲۵ درصدی سپرده‌های قرض‌الحسنه در سال ۱۳۶۳ در شرایطی تحقق یافت که هنوز مسئلهٔ جوایز و قرعه‌کشی‌ها مطرح نشده بود و مسائل غیرمعنوی سهمی در تحقق این سهم نداشته است. این بدین معناست که نظام بانکی در سال‌های بعد با توسل به جوایز بانکی سعی در افزایش سهم سپرده‌های پس‌انداز داشته، که موفقیت قابل‌توجهی کسب نکرده است. شاید بررسی سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات بانکی و بررسی نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه بتواند تا حدی این مسئله را روشن سازد که در جدول‌های بعدی به آن نیز خواهیم پرداخت.

از این نکته نیز نباید غافل شد که سهم ۲۵.۳ درصدی سپرده‌های قرض‌الحسنه در سال ۱۳۶۳ که سال شروع اجرای قانون عملیات بانکداری بدون رباست، در مقایسه با سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه در طول بیست و چهار سال بعد، یک دادهٔ پرت تلقی می‌شود. با حذف

دادهٔ مربوط به سال ۱۳۶۳ از روند میانگین‌گیری برای سپرده‌های قرض‌الحسنه، میانگین سپرده‌های قرض‌الحسنه برای بیست و چهار سال بعد یعنی از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۷، از ۹.۶ ثبت شده در جدول، به ۸.۲ تقلیل خواهد یافت که عملکرد نظام بانکی در جذب و تجهیز این سپرده‌ها را ضعیف‌تر خواهد کرد. همین روند و البته به صورت معکوس در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری صادق است. دادهٔ مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری برای سال ۱۳۶۳ در مقایسه با داده‌های سال‌های بعد، دادهٔ پرت تلقی می‌شود که با حذف آن از روند میانگین‌گیری، میانگین سپرده‌های سرمایه‌گذاری برای بیست و سه سال بعد به رقم ۴۸.۲ افزایش خواهد یافت که می‌تواند حاکی از روند رو به رشد جذب سپرده‌های سرمایه‌گذاری در طول سالیان گذشته باشد.

نتیجه آنکه، در طول سالیان اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، به طور متوسط بیش از ۸ درصد منابع جذب‌شده مربوط به سپرده‌های قرض‌الحسنه، و بیش از ۴۸ درصد منابع مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بوده است. این ارقام، به ویژه در مورد سپرده‌های قرض‌الحسنه، نشان‌دهندهٔ عدم موفقیت نظام بانکی در تجهیز منابع مازاد مردم به صورت قرض‌الحسنه می‌باشد.

لازم به ذکر است که این عدم موفقیت را همان‌گونه که برخی مدیران بانکی مدعی‌اند، نباید به دلیل بی‌اعتقادی یا استقبال نکردن مردم از سپرده‌های قرض‌الحسنه دانست؛ زیرا اولاً سهم این سپرده‌ها در سال شروع این قانون بسیار قابل توجه است؛ اما وقتی مردم با عملکرد نامناسب نظام بانکی مواجه شده‌اند، به تدریج سپرده‌های خود را از این بخش خارج کرده‌اند. برای مردم به هیچ وجه قابل قبول نیست که بانک‌ها سپرده‌هایی را که مردم به صورت قرض‌الحسنه به آنها می‌سپارند، به منظور کسب سود، توسط نظام بانکی به صورت تسهیلات سودآور به متقاضیان داده شود؛ در حالی که خود می‌بینند که بانک‌ها چه مشکلاتی در راه ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه برای مردم ایجاد می‌کنند و برای پرداخت کمترین تسهیلات قرض‌الحسنه، بالاترین میزان وثیقه و ضمانت را طلب می‌کنند و نیازمندان بسیاری برای دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه برای تأمین نیازهای ضروری خود با جواب منفی بانک‌ها مواجه می‌شوند. در واقع، تناقض رفتار بانک‌ها در بخش تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه برای مردم قابل قبول نیست. افزون بر آن، انتظار می‌رفت که نظام بانکی علاوه بر تخصیص همهٔ سپرده‌های

قرض‌الحسنه به صورت قرض‌الحسنه به نیازمندان، خود نیز در این امر خداپسندانه مشارکت کند و بخشی از منابع خود را در قبال آن تعهدی که نسبت به سپرده‌گذار خاصی ندارد، را به صورت قرض‌الحسنه به نیازمندان پرداخت کند؛ ثانیاً استقبال روزافزون مردم از صندوق‌های قرض‌الحسنه که متأسفانه با سوءاستفاده‌هایی نیز در برخی موارد همراه بوده و در برخی موارد نیز با موفقیت توأم گشته است، بیانگر آن است که قرض‌الحسنه می‌تواند در صورت عملکرد مثبت نظام بانکی، جایگاه وزین و مناسب‌تری در نظام بانکی داشته باشد. بی‌شک امکانات و زمینه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری نظام بانکی در جذب مشتریان علاقه‌مند به قرض‌الحسنه با صندوق‌های کوچک و پراکندهٔ قرض‌الحسنه غیرقابل مقایسه است. با وجود این، رونق این صندوق‌ها می‌تواند نشان‌دهنده کم‌کاری نظام بانکی و یا عدم موفقیت آن در جلب اعتماد تودهٔ مردم مسلمان جامعه باشد که باید به دقت و به طور همه‌جانبه بررسی شود. در هر صورت، استقبال از برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه و نیز رواج قرض‌الحسنه‌های اختصاصی در میان اقشار مختلف مردم، می‌تواند به معنای ضعف نظام بانکی در این زمینه تلقی گردد.

طراحی انواع حساب‌های قرض‌الحسنه و مشارکت دادن سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه در معرفی افراد واجد شرایط و اعتماد به آنها و نیز مشارکت نظام بانکی در تأمین منابع مالی قرض‌الحسنه از منابعی غیر از سپرده‌های سرمایه‌گذاری که برای بانک‌ها تعهدزاست، می‌تواند زمینهٔ بهتری برای رونق قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایجاد کند.

در جدول بعدی با استفاده از داده‌های جدول ۱ به مقایسهٔ نرخ رشد سپرده‌های مختلف بانکی با نرخ رشد نقدینگی و بررسی عملکرد نظام بانکی در بخش تجهیز منابع بانکی از زاویه‌ای دیگر پرداخته‌ایم. مقایسهٔ نرخ رشد هر یک از انواع سپرده‌ها با نرخ رشد نقدینگی می‌تواند نشان‌دهندهٔ روند رو به رشد یا نزول سهم هر یک از این سپرده‌ها در تجهیز منابع بانکی باشد. در واقع، این مقایسه تبیین‌کنندهٔ سهم واقعی هر یک از سپرده‌ها طی زمان است. در این جدول، همچنین به محاسبهٔ نرخ رشد سالانهٔ سهم سپرده‌های مختلف بانکی در طول بیست و چهار سال گذشته پرداخته‌ایم. این ارقام با استفاده از تقسیم سهم هر یک از سپرده‌ها در هر سال نسبت به سال گذشته به دست آمده‌اند و نشان می‌دهند که روند حفظ سهم هر یک از سپرده‌ها از کل سپرده‌های بانکی چگونه بوده است. میانگین این ارقام نشان می‌دهد نظام بانکی در حفظ سهم هر یک از انواع سپرده‌ها از کل سپرده‌های بانکی چگونه عمل کرده است.

جدول ۲: درصد سپرده‌های بانکی طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۶(ارقام میلیارد ریال)

شرح	نرخ رشد سپرده‌های دیداری	نرخ رشد سپرده‌های قرض‌الحسنه	نرخ رشد سپرده‌های سرمایه‌گذاری	نرخ رشد کل سپرده ها	نرخ رشد سپرده‌های دیداری	نرخ رشد سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه	نرخ رشد سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری	درصد رشد نقدینگی
۱۳۶۳	–	–	–	–	–	–	–	–
۱۳۶٤	۹.۵	-۳۹.٦	۸۸.٤	۱۵.۳	-۵.٦	-٤۸.٦	٦۱.۵	۱۳.۰
۱۳٦۵	۱۵.۳	٤.۱	۲۷.۸	۱۸.٤	-۲.۰	-۱۰.۸	۹.۵	۱۹.۱
۱۳٦٦	۱۹.۷	۱۱.۱	۲۲.٤	۱۹.۹	۰.۰	-٦.۹	۲.۱	۱۸.۱
۱۳٦۷	۱۳.۷	۱٤.۲	٤۰.٦	۲٦.٤	-۱۰.۲	-۹.۲	۱۱.۱	۲۳.۸
۱۳٦۸	۲۳.۹	۷.۲	۲۵.۲	۲۳.٤	۰.۰۵	-۱۳.۲	۱.۵	۱۹.۵
۱۳٦۹	۳۲.٤	۸.۷	۲۱.۱	۲٤.۸	۵.۹	-۱۲.۹	-۲.۸	۲۲.۵
۱۳۷۰	۲۸.۱	۳٤.۱	۲۱.۱	۱۳.۰	۰.۰۵	٤.۰	-۵.۲	۲٤.٦
۱۳۷۱	۲۱.۵	۳۰.٦	۲٤.۷	۲٦.۹	-٤.۲	۳.۹	-۱.٦	۲۵.۳
۱۳۷۲	٤۱.۵	۹.۹	۳۰.۰	۳۵.٤	٤.٤	-۱۸.۸	-۳.۹	۳٤.۲
۱۳۷۳	۳۹.۵	۳۰.۲	۱۸.۲	۲۸.۷	۸.٤	۱.۵	-۸.۰	۲۸.٤
۱۳۷٤	۳۹.٤	۳۲.۱	۲٦.۲	٤۰.۰	۰.۰۵	-٦.۰	-۹.۹	۳۷.٦
۱۳۷۵	٤۲.۱	۳۰.۸	۲٦.۱	۳۹.۰	۲.۰	-٦.٤	-۹.۱	۳۷.۰
۱۳۷٦	۱۱.۳	٤۳.۹	۳۱.٤	۱۵.۱	-۲.۹	۲۵.۹	۱٤.۱	۱۵.۲
۱۳۷۷	۱٦.۹	٤۲.۸	۳۲.۵	۱۹.۱	-۲.۰	۲۰.۵	۱۱.٤	۱۹.٤
۱۳۷۸	۱۵.٤	۳۱.۲	۲۷.٤	۲۰.٤	-٤.۰	۹.۰	۵.٦	۲۰.۱
۱۳۷۹	۳۸.۱	۳۵.۱	۳۰.۰	۳۱.۳	۵.۲	۲.۰	-۱.۰	۲۸.٦
۱۳۸۰	۲۷.۵	۳۵.٦	۳٦.۵	۳۰.۳	-۲.۲	٤.۱	٤.۸	۲۸.۸
۱۳۸۱	۳۰.۰	۲۷.۷	۳۱.۷	۳۱.۲	-۱.۰	-۱.۹	۰.۰٦	۳۰.۰
۱۳۸۲	۲۰.۷	۱۹.۹	۳۵.٤	۲۷.۵	-۵.۲	-٦.۰	٦.۱	۲٦.۱
۱۳۸۳	۱٦.۵	۵۲.۷	۳۸.۷	۳۱.۲	-۱۱.۲	۱۵.۹	۱۹.۳	۳۰.۲
۱۳۸٤	۲۸.٤	۳۳.۵	٤۰.۲	۳٦.۰	-۵.۵	-۱.۸	-۸.٦	۳٤.۳
۱۳۸۵	۳۲.۱	۱٤.۳	٤٤.٤	٤۰.۱	-۵.۸	۱.۹	۲.۷	۳۹.٤
۱۳۸٦	۲۹.۱	۱٤.۱	۲۹.۵	۲۷.٦	۱.۰	-۱۰.۰	۱.۷	۲۷.۷
۱۳۸۷	-۱۹.۳	۱.۰	۲۸.٦	۲۲.۰	-۲۷.٤	-۱.۰	۱۵.۱	۱۳.۷
مهر ۸۸	-۲.٦	٦.۰	۱۹.٦	۸.۰	-۱٤.٦	-٦.۸	۵.۲	-۰.٤
میانگین	۲۲.۸	۲۱.۲	۳۰.٦	۲٦.۱	-۳.۰۵	-۲.۹۷	٤.۹	۲٦.۲

منبع: گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های گوناگون[۱۳]

جدول (۲) نشان می‌دهد که میانگین نرخ رشد جذب سپرده‌های دیداری، قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری در بیست و پنج سال گذشته به ترتیب ۲۲.۸، ۲۱.۲، و ۳۰.۶ درصد بوده است. میانگین نرخ رشد جذب کل سپرده‌های بانکی نیز ۲۶.۱ درصد بوده است که با توجه به میانگین نرخ رشد ۲۶.۲ درصدی نقدینگی، نرخ رشد سپرده‌های دیداری و قرض‌الحسنه کمتر از میانگین رشد جذب کل سپرده‌های بانکی، و نرخ رشد سپرده‌های سرمایه‌گذاری بیشتر از آن

بوده است. این روند خود می‌تواند بیانگر جانشینی سپرده‌های دیداری و قرض‌الحسنه به نفع سپرده‌های سرمایه‌گذاری باشد. این مقایسه نشان می‌دهد که روند واقعی جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه و جاری منفی بوده است و نظام بانکی نه تنها نتوانسته است سهم این سپرده‌ها در منابع خود را افزایش دهد، حتی نتوانسته است سهم آنها را ثابت نگه دارد.

جالب توجه اینکه نرخ رشد سپرده‌های بانکی در مقایسه با نرخ رشد نقدینگی تنها در سال‌های ۶۵، ۷۰، ۷۶، ۷۷ و ۱۳۸۶ کمتر از نرخ رشد نقدینگی بوده است که به معنای عدم موفقیت نظام بانکی در جذب نقدینگی ایجاد شده در این پنج سال است. البته تفاوت این رقم در دو سال ۷۶ و ۸۶ بسیار کم و قابل اغماض است. بنابراین، نظام بانکی در بیست و چهار سال گذشته توانسته است در جذب سپرده‌های بانکی هم‌پای رشد نقدینگی و حتی بیشتر از آن، رشد داشته باشد و نقش خود را در نظام پولی و مالی کشور تا اندازه‌ای حفظ کند. این بدین معناست که نرخ سود واقعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری که در بسیاری از سال‌ها منفی بوده است، تأثیری بر روند جذب سپرده‌ها نداشته است. به بیان دیگر، در این سال‌ها بین نرخ سود و نرخ جذب سپرده‌های بانکی، ارتباط معناداری وجود ندارد و عامل مؤثر در جذب سپرده‌های سرمایه‌گذاری، چیزی غیر از نرخ سود بوده است؛ مسئله‌ای که مدت‌ها در محافل علمی به دقت بررسی شده و موجب اختلاف صاحب‌نظران بوده است.

اما مسئله‌ای که به این تحقیق مربوط می‌باشد، این است که با توجه به نرخ رشد ۲۶.۲ درصدی نقدینگی، نظام بانکی نتوانسته است هم‌پای افزایش نقدینگی در جامعه، در جذب سپرده‌های دیداری و قرض‌الحسنه موفق باشد. این مسئله دربارهٔ سپرده‌های قرض‌الحسنه حادتر است. در واقع، روند جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه در حدود ۵ درصد کمتر از روند رشد نقدینگی بوده است. این مسئله تأکیدی بر این واقعیت است که جایگاه سپرده‌های قرض‌الحسنه در تجهیز منابع بانکی رو به افول بوده، این سپرده جای خود را در تجهیز منابع بانکی به سایر سپرده‌ها داده است.

در ستون‌های شش، هفت و هشت جدول ۲ نرخ رشد سهم سپرده‌های بانکی در طول سالیان اجرای قانون بانکداری بدون ربا، محاسبه شده است. بدین ترتیب که سهم هر یک از سپرده‌های بانکی در هر سال را بر سال گذشته تقسیم کرده‌ایم تا مشخص شود عملکرد هر سال در مقایسه با سال گذشته در حفظ یا از دست دادن این سهم چگونه بوده است. متوسط این ارقام برای سپرده‌های دیداری، قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری به ترتیب ۳.۰۵، ۲.۹۷، و ۴.۹ بوده است که در این مورد نیز وضعیت سپرده‌های قرض‌الحسنه بدتر از سپرده‌های جاری است. این بدین معناست که سالانه به طور میانگین ۳ درصد از سهم سپرده‌های جاری و ۲.۹

درصد از سپرده‌های قرض‌الحسنه کاسته شده است؛ حال آنکه سالانه به طور متوسط در طول بیست و چند سال گذشته، ۴.۹ به سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری افزوده شده است. این مسئله موجب شده است سهم سپرده‌های جاری از بیش از ۴۲ درصد در سال ۱۳۶۳ به حدود ۱۸ درصد در سال ۱۳۸۸ و سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از بیش از ۲۵ درصد کل سپرده‌ها در سال ۱۳۶۳، به حدود ۸ درصد کل سپرده‌ها در سال ۱۳۸۸ برسد. این بدین معناست که نظام بانکی در جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه موفق نبوده است. توجه به این واقعیت که میانگین نرخ رشد نقدینگی در این بیست و سه سال بیش از ۲۶ درصد بوده است، این واقعیت را تلخ‌تر می‌کند؛ یعنی به رغم اینکه در این سال‌ها، نقدینگی سالانه بیش از یک چهارم رشد داشته است، روند جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه نزدیک به سه درصد منفی بوده است و در کل، از بیش از ۲۵ درصد در سال اول، به حدود ۸ درصد در سال آخر کاهش یافته است.

تخصیص منابع قرض‌الحسنه

آنچه تاکنون مورد بررسی شده، طرف بدهی تراز بانکی و بخش تجهیز منابع بود که نشان می‌داد نظام بانکی در جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه عملکرد موفقی نداشته است؛ اما این به تنهایی کافی نیست. برای رسیدن به واقعیت عملکرد نظام بانکی دربارهٔ ترویج قرض‌الحسنه در عمل، باید عملکرد بانک‌ها در بخش تخصیص و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه نیز با دقت بررسی شود.

در جدول ۳ با استفاده از داده‌های موجود در مورد تسهیلات اعطایی در قالب قرارداد قرض‌الحسنه، به مقایسهٔ عملکرد نظام بانکی در جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه که با استفاده از این سپرده‌ها تأمین مالی می‌شود، پرداخته‌ایم. هدف این بوده است که مشخص شود آیا نظام بانکی منابعی را که از مردم با ترفندهای مختلف و با تحریک انگیزه‌های خیرخواهانه و با نام قرض‌الحسنه از مردم جمع آوری کند، در همان راستا هزینه کرده است، یا با تجهیز این منابع به صورت قرض‌الحسنه، منابع حاصله را به منظور سودآوری هرچه بیشتر مصرف کرده است.

همچنین در این جدول به مقایسهٔ کل سپرده‌های قرض‌الحسنه با تسهیلات پرداخت شده در این قالب می‌پردازیم تا سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات بانکی مشخص شود. مقایسه سهم سپرده‌های بانکی از کل سپرده‌ها با سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات می‌تواند بسیار معنادار باشد و مشخص کند که آیا توازن میان این دو سهم وجود دارد یا خیر.

جدول ۳: تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی						
شرح	میزان تسهیلات قرض‌الحسنه	میزان کل تسهیلات	درصد تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات	سپرده‌های قرض‌الحسنه	درصد سپرده‌های قرض‌الحسنه	نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده قرض‌الحسنه
۱۳۶۳	۷۸.٤	۷۲۸.۸	۱۰.۷	۱٤۹٦.۷	۲٥.۳	٥۲.٤
۱۳٦٤	۱۹۹.۱	۱۸٥۱.٤	۱۰.۷	۹۰۳.٥	۱۳.۰	۲۲.۰
۱۳٦٥	۳۲۱.٤	۲۷۷۳.۹	۱۱.٦	۹٤۰.٦	۱۱.٦	۳٤.۲
۱۳٦٦	٤۱۱.۹	۳۸۸٥.۸	۱۰.٦	۱۰٤٥.٥	۱۰.۸	۳۹.٤
۱۳٦۷	٥۰۷.۹	٥۲۰٦.۱	۹.۷	۱۱۹۳.۹	۹.۸	٤۲.٦
۱۳٦۸	٥٦٤.٥	۷٥٤۷.٤	۷.٤	۱۲۸۰.٦	۸.٥	٤٤.۱
۱۳٦۹	٦۳۹.۸	۱۱۱٥۹.۲	٥.۷	۱۳۹۲.۳	۷.٤	٤٥.۹
۱۳۷۰	٦۸۲.۰	۱٦۲۱۱.۰	٤.۲	۱۸٦۸.٦	۷.۷	۳٦.٥
۱۳۷۱	۷۷٥.۸	۲۱٤۰٦.٥	۳.٦	۲٤٤۱.۰	۸.۰	۳۱.۸
۱۳۷۲	۱۲۸۸.۷	۲۷۷٥۸.۳	٤.٦	۲٦۸۳.۱	٦.٥	٤۸.۰
۱۳۷۳	۱٥٦۱.۸	۳٥٥۹۸.۹	٤.٤	۳٤۹٤.۷	٦.٦	٤٤.۷
۱۳۷٤	۲۰٤۸.۰	٤۳٦٥۱.۹	٤.۷	٤٦۱٦.۳	٦.۲	٤٤.٤
۱۳۷٥	۲٦۰۳.۳	٥۸۰۱۳.۱	٤.٥	٦۰۳۹.۱	٥.۸	٤۳.۱
۱۳۷٦	۳۲۷۱.۱	۷۱۰٦۹.٥	٤.٦	۸٦۹۳.۲	۷.۳	۳۷.٦
۱۳۷۷	٥٤۳۰.۰	۹۲۷۸۷.۰	٥.۸	۱۲٤۲۰.۰	۸.۸	٤۳.۷
۱۳۷۸	٦۱۰۰.۰	۱۳٤۰٤۸.۰	٤.٥	۱٦۲۹٦.۰	۹.٦	۳۷.٤
۱۳۷۹	۷٥۰۷.٥	۱۷٦۹۰۷.٥	٤.۲	۲۲۰۱٤.٤	۹.۸	۳٤.۱
۱۳۸۰	۱۰٦٤۳.۸	۲۳۷٤٥۰.۲	٤.٥	۲۹۸٤۷.٥	۱۰.۲	۳٥.٦
۱۳۸۱	۲۳۰۰۱.٦	۳۲۰۷۹٦.۲	۷.۱	۳۸۱۰۸.۰	۱۰.۰	٦۰.٤
۱۳۸۲	۲٥۷۹٤.۹	٤٤۲۳۹۷.٦	٥.۸	٤٥۷۰٦.۰	۹.٤	٥٦.٤
۱۳۸۳	۲۸۸۰۲.۷	٦۰۸٤۰۷.٥	٤.۷	٦۹۸۰٦.۲	۱۰.۹	٤۱.۳
۱۳۸٤	۳٦٥۸۰.۹	۸۳۲۸۳۱.۷	٤.٤	۹۳۲۳۰.۱	۱۰.۷	۳۹.۲
۱۳۸٥	٤۰۰۸۲.٥	۱۱۷۹۷۲۲.٥	۳.٤	۱۳۳٥۲۲.٤	۱۰.۹	۳۰.۰
۱۳۸٦	٥۰۱۹٤.٥	۱٦۱٥۷۲٤.٥	۳.۱	۱٥۲۳۰٥	۹.۸	۳۲.۹
۱۳۸۷	٦۳٦۹۰	۱۸۱۳۲۷۰.۸	۳.٥	۱٥۳۹٤٦	۸.۸	٤۱.۸
مهر ۸۸	۸۸۹۹۰.۲	۱۹۳۲۸۹۷	٤.۲	۱٦۲۸۸۷	۸.۲	٥٤.٦
جمع	۳۹٦۸۸٥.٥	۸۰٦۲۱٥۲.۳	–	٤۹۹۰۳۹.۷	–	–
میانگین	۱٥۲٦٤.۸	۳۱۰۰۸۲.۷	٥.۸٥	۲۱٦۹۷.٤	۹.۳۳	٤۱.۳

منبع: گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های گوناگون

یافته‌های جدول بالا به رغم سادگی آن، نشان‌دهندهٔ بسیاری از واقعیات عملکرد نظام بانکی دربارهٔ قرض‌الحسنه است. بر اساس محاسباتی که در این جدول انجام شده است، به طور متوسط، کمتر از ۶ درصد از کل تسهیلات اعطایی در طول سالیان اجرای قانون بانکداری بدون ربا در قالب تسهیلات قرض‌الحسنه به متقاضیان تسهیلات پرداخت شده است. در حالی که به

طور میانگین ۹.۳۳ درصد منابع بانک‌ها، با قرارداد قرض‌الحسنه تجهیز شده است. این بدین معناست که نظام بانکی توازن را از این جهت رعایت نکرده است.

از سوی دیگر، از تقسیم داده‌های ستون‌های اول بر ستون چهارم می‌توان مشخص کرد که چه میزان از منابع حاصل از سپرده‌های قرض‌الحسنه به صورت قرض‌الحسنه به مردم پرداخت شده است. بر اساس یافته‌های مندرج در این ستون، تنها در سه سال ۱۳۶۳ که سال شروع اجرای قانون بانکداری بدون ربا بوده است و سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ماندهٔ مهر ۸۸، کمی بیش از نیمی از منابع حاصله در قالب قرارداد قرض‌الحسنه یعنی سپرده‌های قرض‌الحسنه به صورت قرض‌الحسنه به مردم پرداخت شده است و در طول بیست و پنج سال دیگر، همواره کمتر از نیمی از منابع به صورت قرض‌الحسنه به مردم پرداخت شده است. جالب آنکه نظام بانکی حتی در سال اول اجرای این قانون نیز پایبندی لازم به ترویج قرض‌الحسنه که یکی از راه‌کاری اصلی مورد نظر اسلام برای حذف ربا از نظام پولی و مالی جامعه است نداشته، و در این جهت تلاش نکرده است. این روند در سال دوم اجرای قانون به شدت افزایش است؛ به طوری که تنها در حدود یک پنجم منابع حاصله به صورت قرض‌الحسنه به مردم پرداخت شده است.

میانگین و معدل نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه، در طول بیست و شش سال گذشته، در حدود ۴۱ درصد است؛ یعنی نظام بانکی صرفاً کمی بیش از یک سوم منابع حاصله در سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه را به صورت قرض‌الحسنه به متقاضیان عرضه کرده است و بقیهٔ آن را خود در راستای کسب سود بیشتر به کار برده است. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که بخشی از سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه به منزلهٔ ذخیرهٔ قانونی در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد و نمی‌تواند به مثابه منابع در اختیار بانک‌ها برای پرداخت قرض‌الحسنه استفاده شود. هرچند این مسئله نیز از جنبهٔ نظری دچار مشکل است و همواره این پرسش در ذهن هر پژوهشگری ایجاد می‌شود که چرا بانک مرکزی از منابعی که به منظور قرض‌الحسنه توسط مردم در اختیار بانک‌ها قرار داده می‌شود، ذخیرهٔ قانونی می‌گیرد و خود با کاهش حداکثری نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه، منابع تسهیلات قرض‌الحسنه را افزایش نمی‌دهد؛ در حالی که انتظار این است که نه تنها بانک مرکزی با ابزار ذخیره قانونی از حجم این منابع نکاهد، بلکه بخشی از منابع در اختیار خود را جهت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه از طریق نظام بانکی به کار گیرد. هر چند نباید از نظر دور داشت که در سه سال اخیر این نرخ به ده درصد کاهش یافته است و دولت و بانک مرکزی تا حدی به این امر مهم اقدام کرده‌اند؛ اما این روند تا کاهش حداکثری نرخ ذخیره قانونی سپردهٔ پس‌انداز

قرض‌الحسنه باید ادامه یابد. پیشنهاد ما که در پایان مقاله نیز بدان اشاره کرده‌ایم، کاهش نرخ ذخیرهٔ قانونی سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه به حدود یک درصد است.

محاسبهٔ نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به منابع قرض‌الحسنه در اختیار بانک‌ها با در نظر گرفتن نرخ ذخیرهٔ قانونی امکان‌پذیر است. در سال‌های اجرای قانون بانکداری بدون ربا، نرخ ذخیرهٔ قانونی سپرده‌های قرض‌الحسنه دارای نوسان بوده است که متوسط آن در سال‌های ۶۳ـ۱۳۸۸ در حدود ۲۲.۵ درصد بوده است.[۱۴] با ملاحظهٔ این نسبت مشخص می‌شود که نظام بانکی در این دوره صرفاً ۷۷.۵ درصد از منابع پس‌اندازهای قرض‌الحسنه را در اختیار داشته است. با در نظر گرفتن این نسبت، متوسط قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها که در بالا ۴۱ درصد محاسبه شده بود، افزایش می‌یابد.[۱۵] بر این اساس، نرخ متوسط نسبت تسهیلات اعطایی به ماندهٔ مؤثر سپرده‌های قرض‌الحسنه به حدود ۵۳ درصد افزایش خواهد یافت.

نکتهٔ دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که بخشی از منابع حاصله از سپرده‌های قرض‌الحسنه، مربوط به سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنهٔ بانک مسکن است که به منظور دریافت تسهیلات مسکن توسط مشتریان افتتاح می‌شود و بانک مسکن نیز منابع حاصله را در تسهیلات مشارکت مدنی و فروش اقساطی خرید مسکن استفاده می‌کند. نسبت سپردهٔ پس‌انداز قرض‌الحسنه مسکن به کل سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه در طول سالیان گذشته بین ۲۰ تا ۳۰ درصد بوده است که اگر میانگین آن حدود ۲۵ درصد باشد، با احتساب آن در نسبت تسهیلات به سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه، نسبت ۵۳ به حدود ۷۰ درصد افزایش می‌یابد. البته این رقم در سال‌های اخیر و با تأکیدهای مکرری که دولت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی بر مسئلهٔ قرض‌الحسنه داشته‌اند، تحقق یافته است که به رغم امیدوارکننده بودن آن، همچنان تا سطح انتظار عملکرد ۱۰۰ درصدی فاصلهٔ فراوانی دارد.

آنچه بیان شد، صرف‌نظر از جزئیات تسهیلات قرض‌الحسنه بود. این مسئله نیز باید بررسی شود که میزان تسهیلات قرض‌الحسنه با چه کیفیتی در اختیار متقاضیان قرار گرفته است. یکی از پرسش‌های اساسی در این زمینه آن است که آیا بانک‌ها واقعاً وجوه قرض‌الحسنه را در اختیار متقاضیان و نیازمندان واقعی آن قرار داده‌اند، یا این وجوه در چرخهٔ بوروکراسی موجود نصیب افراد خاص شده و مردم عادی در پیچ‌وخم دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه گرفتار شده‌اند. بررسی این امر ـ که باید در تحقیق جداگانه‌ای بدان پرداخت ـ نیازمند آمار و اطلاعات تفصیلی از جزئیات تسهیلات اعطایی است که دسترسی بدان بسیار دشوار است.

صرف‌نظر از نکتهٔ مزبور می‌توان بر این نکته تأکید کرد که عملکرد بانک‌ها در عدم تخصیص کامل وجوه قرض‌الحسنه به اعطای قرض‌الحسنه، شرایط سخت پرداخت قرض‌الحسنه و وجود

تردیدهایی دربارهٔ تخصیص عادلانه این وجوه در میان نیازمندان بدان تأثیر بسزایی در سلب اعتماد مردم نسبت به نظام بانکی در جهت ترویج قرض‌الحسنه داشته است. این نوع عملکرد در کنار عملکرد آن در اعطای تسهیلات همراه با سود که شباهت زیادی به عملکرد بانک‌های ربوی دارد، این شبهه را در ذهن‌ها ایجاد می‌کند که گویا سیستم کنونی در جهت اجرای درست و دقیق بانکداری بدون ربا حرکت نمی‌کند و باید تغییرهای اساسی به صورت همه‌جانبه در قوانین و مقررات و نوع نگرش مدیران بانکی صورت پذیرد و صرفاً کسانی که به صورت عملی و در مقیاس سیستمی و عملیاتی معتقد به امکان اجرای اصول اسلامی در نظام پولی و بانکی هستند در مصدر اموری نظام بانکی قرار گیرند؛ نظام بانکی‌ای که متعلق به مردمی است که برای حفظ ارزش‌های مورد اسلام حتی از جان خود هزینه کرده‌اند و روا نیست که برخی به هر دلیل راه دیگری را پیش گیرند.

البته نباید از نظر دور داشت که دولت در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ مصوبات خاصی برای افزایش سهم قرض‌الحسنه در تسهیلات بانکی داشته است. این اقدامات توانسته است موجب افزایش سهم تسهیلات قرض‌الحسنهٔ پرداختی به سپرده‌های قرض‌الحسنه از ۳۲.۹ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۴۱.۸ درصد در سال ۱۳۸۷ و به ۵۶.۶ درصد در مهرماه سال ۱۳۸۸ افزایش یابد. این اقدام قابل تقدیر است، ولی کافی نیست. به نظر می‌رسد که می‌تواند با کاهش نرخ ذخیرهٔ قانونی سپرده‌های قرض‌الحسنه به حداقل، منابع تسهیلات قرض‌الحسنه را افزایش دهد. کاهش پلکانی این نرخ، به ویژه در مورد بانک‌ها و مؤسسات مالی‌ای که در عمل متعهد به اعطای منابع قرض‌الحسنه به صورت قرض‌الحسنه به نیازمندان هستند، به همراه تدوین آیین‌نامه اعطای این تسهیلات و ایجاد سیستم متمرکز جهت ثبت و درج دریافت‌کنندگان تسهیلات به منظور جلوگیری از پرداخت چند باره به یک نفر و بررسی کیفی تسهیلات اعطایی، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش سهم قرض‌الحسنه و نیز افزایش شفافیت در این زمینه داشته باشد. بی‌شک وجود اراده و تصمیم می‌تواند به تحقق این هدف متعالی کمک شایانی بکند.

نتیجه‌گیری

بررسی آمار و اطلاعات موجود در مورد عملکرد نظام بانکی جمهوری اسلامی در تجهیز و تخصیص قرض‌الحسنه در سال‌های ۶۳ـ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که نظام بانکی نتوانسته است در جذب و تخصیص قرض‌الحسنه موفق باشد. در بخش تجهیز سپرده‌ها، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز از کل سپرده‌های بانکی روندی کاهشی داشته و از ۲۵ درصد در سال ۱۳۶۳ به حدود ۹ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است. در بخش تجهیز منابع نیز نظام بانکی در

این دوره به طور متوسط اندکی بیش از نیمی از سپرده‌های قرض‌الحسنه را به پرداخت قرض‌الحسنه اختصاص داده و بقیهٔ آن را برای کسب درآمد مصرف کرده است. این نرخ با کنارگذاشتن سپرده‌های قرض‌الحسنه مسکن به حدود هفتاد درصد می‌رسد.

در تحلیل عملکرد نظام بانکی در تجهیز و تخصیص قرض‌الحسنه این پرسش جدی مطرح می‌شود که آیا مشکل موجود در این زمینه به واسطهٔ عملکرد نادرست بانک‌ها رخ داده، یا این امر بیانگر این است که قرض‌الحسنه نمی‌تواند جواب‌گوی نیازهای موجود در نظام مالی و بانکداری نوین باشد. برخی از کارشناسان بانکی معتقدند که این نقیصه را نباید ضعف نظام بانکی و ناکارآمدی قرض‌الحسنه قلمداد کرد. به نظر آنها، قرض‌الحسنه مناسب نظام مالی امروزی نیست و باید صرفاً ابزاری فردی و داوطلبانه تلقی شود که افراد خود به پرداخت آن مبادرت می‌ورزند.

برخلاف دیدگاه مزبور، می‌توان استدلال کرد که مشکلات موجود در تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه را نباید به حساب ناکارآمدی قرض‌الحسنه گذاشت. این مشکل به طور عمده ناشی از عدم وجود ارادهٔ جدی برای استفاده از این ابزار در نظام بانکی است. به اعتقاد بسیاری، تلفیق انگیزه‌های معنوی با مادی‌ترین بخش فعالیت‌های اقتصادی، یعنی فعالیت‌های پولی و بانکی حتی در شرایط فعلی، نه تنها ممکن، بلکه کارآمد است. آنچه در این میان مهم است، خواست و تصمیم تصمیم‌گیرندگان و مجریان است که جای خالی آن در بسیاری از موارد به شدت احساس می‌شود.

از نظر ما، نه تنها پرداخت کامل منابع قرض‌الحسنه به صورت قرض‌الحسنه به نیازمندان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیرست، بلکه اگر ما انتظار مشارکت مردم در این فرایند خیرخواهانه را داریم، باید نظام بانکی را نیز ملزم سازیم بخشی از منابعی را که به طور مجانی در سایر سپرده‌ها تجهیز می‌کند، به صورت قرض‌الحسنه به نیازمندان واقعی که در شرایط فعلی جامعهٔ ما کم نیستند، اختصاص دهد.

از سوی دیگر، دولت نیز باید سهم خود در این فرایند به صورت شایسته ادا کند. بدین منظور، ضروری است که نرخ ذخیرهٔ قانونی سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه به حداقل برسد. در حال حاضر، نرخ ذخیرهٔ قانونی سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه کمتر از سایر سپرده‌هاست، اما این کافی نیست. به نظر ما همین نرخ نیز توجیهی ندارد. کاهش نرخ ذخیرهٔ قانونی به کمترین مقدار و در حدود یک درصد، می‌تواند منابع قرض‌الحسنه را به شدت افزایش دهد و منافع عموم جامعه از این منظر را به شکل محسوسی افزایش دهد. این یک خواست کاملاً منطقی است که اگر خواهان مشارکت بیشتر مردم در سپرده‌های قرض‌الحسنه برای افزایش

منابع تسهیلات قرض‌الحسنه هستیم، باید بانک‌ها و دولت نیز در این فرایند مشارکت جدی و مؤثر داشته باشند تا مردم با مشاهده عملکرد مثبت دولت و بانک‌ها نسبت به افزایش سپرده‌گذاری در حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه تشویق شوند.

مسئله دیگری که می‌تواند به افزایش نقش و جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی کمک کند، کاهش پلکانی نرخ ذخیرهٔ قانونی سپرده‌های دیداری برای بانک‌هایی است که بخشی از ماندهٔ حساب‌های جاری خود را به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهند. برای مثال، بانک مرکزی می‌تواند بر اساس آیین‌نامه‌ای اعلام کند بانک‌هایی که ده درصد مانده حساب‌های جاری را به قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهند، از معافیت یک درصدی نرخ ذخیرهٔ قانونی حساب‌های جاری یا برخی معافیت‌های مالیاتی برخوردار خواهند شد. این روند می‌تواند موجب مشارکت بیشتر بانک‌ها در پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه با استفاده از مانده حساب‌های جاری گردد.

ملزم کردن شرکت‌ها و ادارات دولتی به سپرده‌گذاری در حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه بانک‌هایی که کل منابع حاصله از این حساب‌ها را به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهند نیز یکی دیگر از اقدام‌های تشویقی برای گسترش و افزایش تسهیلات قرض‌الحسنه است.

در پایان این نکته را نیز متذکر می‌شویم که برای موفقیت قرض‌الحسنه باید ضمن نظارت مؤثر و کارآمد بر تخصیص این منابع، آیین‌نامهٔ یکپارچه و هماهنگی تدوین شود تا همهٔ افراد نیازمند به خصوص کسانی که توان و امکان برقراری ارتباطات خاص و ویژه را ندارند، از این تسهیلات برخوردار شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجید حبیبیان نقیبی، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، ۱۴۷-۱۴۱ و اکبر کمیجانی و علی اصغر هادونی نیا، در آمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن،۲۳۳.

۲. محمد علی گرامی و دیگران، ربا در نظر خواهی از اساتید حوزه علمیه قم:آقایان سیدکاظم حائری، محمد علی گرامی و سید احمد مددی،۲۴.

۳. سیامک کورنگ بهشتی عملکرد نظام بانکی ایران و قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک و اقتصاد،۲۳-۲۱.

۴. علی اصغر هادوی نیا، اوراق قرض الحسنه، ۸۵-۸۳.

۵. همان .

۶. اکبر کمیجانی و علی اصغر هادوی نیا، درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، ۲۳۵.

۷. جمعی از مولفان، درسهایی در اقتصاد اسلامی، ۸۹-۸۸.

۸. علی اصغر هادوی نیا، اوراق قرض الحسنه،ص ۸۴.

9. Hossein Askari, Zamir Iqbal and Abbas Mirakhor, New Issues in Islamic Finance and Economics, Progress and Challenges.

و محقق نیا، محمد جواد، ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگو برای ایران (رساله دکتری اقتصاد)، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.

۱۰. حبیبیان نقیبی مجید، قرض الحسنه نگرشی تفسیری- روایی، ص ۸؛ حبیبیان نقیبی مجید، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، ص۳.

۱۱. قانون بانکداری بدون ربا، فصل دوم، ماده سه.

۱۲. رک به محمد جواد توکلی، بررسی توزیع سود سپرده‌ها در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران طی دوره ۷۹-۱۳۶۳، ۷۱-۷۰.

۱۳. تذکر :نرخ های رشد توسط مولف محاسبه شده است

۱۴. طی ۲۶ سال اخیر، ۱۲ سال نرخ ذخیره قانونی ۲۵ درصدی، ۴ سال ۳۰ درصدی، ۴ سال ۲۰ درصدی، ۴ سال ۱۷ درصدی و در سه سال اخیر ۱۰ درصدی بر روی سپرده های پس انداز قرض الحسنه برقرار بوده است که معدل این سال ها، ۲۲.۵ خواهد شد.

۱۵. برای محاسبه این نسب می‌توان نسبت تسهیلات قرض الحسنه به سپرده های قرض الحسنه را در معکوس یک منهای ۲۲.۵ درصد ضرب کرد.

منابع

توکلی، محمدجواد، «بررسی توزیع سود و زیان در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران طی دوره (۱۳۶۳-۱۳۷۹)». ***معرفت***، ش ۵۳، ۱۳۸۱ص ۶۳ـ۶۶.

جمعی از مولفان، ***درس‌هایی در اقتصاد اسلامی***، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۴.

حبیبیان نقیبی، مجبد، «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»، ***نامه مفید***، ش ۳۱، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰-۱۲۳.

حبیبیان نقیبی مجید، «قرض‌الحسنه نگرشی تفسیری- روایی»، ***اقتصاد اسلامی***، ش ۱۶، ۱۳۸۳، ۳۴ـ۱۱.

عرب مازار، عباش و کیقبادی، سعید، «جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، ***اقتصاد اسلامی***، ش۲۲، ۱۳۸۵، ص ۴۶-۱۳.

قانون عملیات بانکی بدون ربا.

کمیجانی، اکبر، و هادونی نیا، علیاصغر، «در آمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، ***نامه مفید***، ش ۱۴، ۱۳۷۷، ص ۲۵۴-۲۳۳.

کورنگ بهشتی، سیامک، «عملکرد نظام بانکی ایران و قانون عملیات بانکداری بدون ربا»، ***بانک و اقتصاد***، ش ۸، ۱۳۷۹، ص ۲۳-۲۰.

گرامی، محمدعلی و دیگران، »ربا در نظر خواهی از اساتید حوزه علمیه قمآقایان سیدکاظم حائری، محمدعلی گرامی و سیداحمد مددی»، ***نامه مفید***، ش ۱۳، ۱۳۷۷، ص ۳۰-۷.

محقق‌نیا، محمدجواد، ***ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگو برای ایران (رساله دکتری اقتصاد)***، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.

هادوی‌نیا، علی‌اصغر، «اوراق قرض‌الحسنه»، ***اقتصاد اسلامی***، ش ۴، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴-۸۳.

Hossein Askari, Zamir Iqbal and Abbas Mirakhor, New Issues in Islamic Finance and Economics, Progress and Challenges. USA: John Wiley & Sons ,2008.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی